

## نقش حسین قلی خان نظام السلطنه مافی در توسعه خلیج فارس

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۹/۰۶

نادره جلالی<sup>۱</sup>

### چکیده

نقش مؤثر و مهمی در تاریخ تحولات خلیج فارس و مبارزه با استعمار انگلیس در ولایات جنوبی ایران داشته است. همچنین، وی در تحکیم مبانی و مؤلفه‌های هویت ایرانی و تثبیت دولت مرکزی و یکپارچگی ملی تأثیر به‌سزایی داشته است. از سوی دیگر، فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی او، باعث توسعه و پیشرفت منطقه و رونق کار تجار و بازرگانان گردیده است. این نوشتار در پی آن است که با تفسیر و تبیین عناصر مذکور، تصویری واقعی را از زندگی اجتماعی - سیاسی ایران در مقطع تاریخی مهمی را ارائه کند.

### کلیدواژه

خلیج فارس؛ ایران؛ قاجار؛ انگلیس؛ نظام السلطنه.

### مقدمه

این پژوهش با توجه به اسناد و مدارک تاریخی به مطالعه شخصیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حسین قلی خان نظام السلطنه به عنوان یکی از سیاستمداران ایران در عصر قاجار می‌پردازد. اهمیت موضوع در آن است که اهالی سیاست و اجتماع را متوجه تجربیات زیسته کسانی می‌کند که در استمرار و استقلال ایران مؤثر بوده‌اند. ضرورت تحقیق نیز از آن جهت است که صاحبان چنین تجربیات معنی‌داری، در واقع، عواملی مهم در مطالعه ساختار یک نظام اجتماعی محسوب می‌شوند و لازم است که پژوهشگران و علاقمندان، عناصر این ساختار را در طول تاریخ مورد توجه قرار دهند.

حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، یکی از رجال سیاسی و فرهنگی به نام عصر قاجار بود که در دوره سلطنت فتحعلی شاه متولد شد. نوجوانی و جوانی را در دوران محمدشاه و میان‌سالگی را در عصر ناصری و مظفری سپری کرد. او در طول حیات خود به مناصب مهمی از وزارت تا صدارت نائل شد. وی ترقی خواه و از مخالفان سرسخت استبداد و نفوذ استعمارگران در کشور بود. از این رو، به عنوان حاکم مناطق جنوب در برابر کارگزاران انگلیسی مانند پرسایکس و کمپانی برادران لینچ و نیز در مقابل ادعای انگلیسی‌ها مبنی بر عدم مالکیت ایران بر جزایر سه‌گانه ایستادگی کرد. در عین حال با برقراری محدودیت‌های تجاری و گمرکی در خلیج فارس، مانع رسیدن آن‌ها به اهداف سیاسی - اجتماعی‌شان شد و به همین دلیل روابطش با انگلیسی‌ها به تیرگی گرایید. به طور کلی، هدف از این پژوهش، بررسی شخصیت و عملکرد حسین قلی خان نظام السلطنه در سمت حاکم و مسئول امور مالیات و گمرک در ساختار قدرت دربار قاجار و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خلیج فارس است. روش تحقیق حاضر کیفی و رویکرد آن توصیفی و تفسیری است. داده‌های لازم با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به خصوص خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه، جمع‌آوری، ساماندهی، ارزیابی و تفسیر شده و سپس نتایج استخراج شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نظام السلطنه به عنوان حاکمی سیاسی و کنش‌گر،

۱. دکترای تاریخ از دانشگاه جامعه ملیه اسلامیة دهلی، هند.

سال ۱۳۲۶ ه.ق درگذشت و در جوار امامزاده عبدالله در شهرری به خاک سپرده شد (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: مقدمه ۱۵).

میرزا غلامحسین خان افضل‌الملک او را مردی فاضل، ادیب، خوش‌خط، درست‌کار، با کفایت و مدبر فی‌اللیل و النهار معرفی کرده است که علو خیالی که همیشه در سر داشت، گاهی او را از نیل به مقصد یک منزل، دور می‌کرد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۷۷، ۲۳۳). وی قرآن، دیوان حافظ، مثنوی مولانا، گلستان سعدی و منشآت قائم‌مقام را خوانده بود؛ فضل و کمال داشت و نثرش از اغراق و تکلف خالی بود (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۱، ۲۲). همچنین شعرپرور، سخت‌کوش، جاه‌طلب، کاردان و موقع‌شناس بود (بامداد، ۱۳۸۴: ۲۹۲) و به دلیل کاردانی‌اش، بسیاری از مسئولیت‌های مهم کشوری به ویژه در مواقع ضروری به وی تفویض می‌شد و او از عهده آن‌ها برمی‌آمد؛ برای نمونه، پس از اخراج ناصرالملک از ایران، محمدعلی شاه بدون مشورت با وکلای مجلس، تصمیم گرفت از میان رجال با تجربه قاجار، شخصی را به صدراعظمی برگزیند تا شاید مشکلات کشور را حل کند. از این‌رو، حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه را که به درستی رأی و حسن تدبیر و کاردانی شهرت داشت و اکثریت مجلس شورای ملی نیز به او متمایل بودند (شجعی، ۱۳۶۲: ۵۴)، در آن جایگاه نشانند و او را رئیس‌الوزرا خواند. دیری نپایید که نظام‌السلطنه به دنبال شکاف بیشتر میان شاه و مشروطه‌خواهان، از رئیس‌الوزرای استعفا داد. در واقع، می‌توان گفت او به مرور ایام، طی سال‌های خدمت نسبت به عده‌ای از رجال و به تدریج اوضاع کشور بدبین شده بود و به انتقاد از نحوه عملکرد شاه و رجال حکومتی پرداخت.

او به شدت به تقدیر اعتقاد داشت و اکثر کارها را با استخاره انجام می‌داد. تاریخ را محترم می‌شمارد و دلبسته سنت بود (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۰)، به انجام فرایض دینی، عمران و ابقا نام نیک اهمیت می‌داد و خیرات و میراث می‌کرد. در زمان حیات به تعمیر ابنیه مقدسه، معاضدت ایتمام و طلاب علوم دینی و یاری فرودستان اهتمام داشت. استمرار خیرات و اقدام به امور خیر را از وراث خود خواستار بود.

این نوشته، با توجه به چنین هدف و ضرورتی، بر آن است تا حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه را به عنوان شخصیتی سیاسی معرفی کند و دو بعد از ویژگی‌های این مرد بزرگ را در عرصه توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خلیج فارس مورد تفسیر و تحلیل قرار دهد و نشان دهد که این ساختار از نظر توسعه چگونه در ظرف تاریخی و اجتماعی شکل گرفته است.

### آشنایی با حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه

ایل مافی از ایل‌های مشهور کُرد ایران است که در زمان آقا محمدخان قاجار به استان فارس رفتند، اما بعدها، به علت سیاست دولت در کوچاندن ایلات فارس، به قزوین مهاجرت کردند. امروزه شعبه‌ای از ایل مافی در لرستان زندگی می‌کند. افراد مشهوری از این ایل در عصر قاجار به جایگاه‌های حکومتی و سیاسی مهمی دست یافتند؛ یکی از این چهره‌های برجسته، حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی پسر شریف خان قزوینی بود که در سال ۱۲۴۸ ه.ق در تهران متولد شد. او در شانزده سالگی، با مرگ پدر، به منصب وی رسید که غلام پیش خدمتی بود. چنان‌که خود در خاطراتش می‌نویسد تا ۲۲ سالگی به فراگرفتن مقدمات عربیه و قدری فقه و تفسیر و عروض پرداخت. چون سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه حکومت فارس را یافت، منشی او شد و در سال ۱۲۸۴ ه.ق حاکم بوشهر گردید و از آن پس، مناصب و القابی چون پیشکاری و وزارت اصفهان (۱۲۸۸ ه.ق)، حاکم یزد (۱۲۹۱ ه.ق) با لقب سعدالملک، حاکم بوشهر و دشتی و دشتستان (۱۲۹۱-۱۲۹۳ ه.ق)، رئیس اداره غله دولتی، رئیس بندرها و گمرکات خلیج فارس (۱۲۹۶-۱۲۹۹ ه.ق)، حاکم خمسه (۱۳۰۲ ه.ق)، حاکم عربستان، چهارم‌محل و بختیاری با لقب نظام‌السلطنه (۱۳۰۵ ه.ق)، حاکم بوشهر و بندرها و گمرکات خلیج فارس (۱۳۰۸-۱۳۱۰ ه.ق)، حاکم فارس (۱۳۱۰ ه.ق)، حاکم عربستان، لرستان و بختیاری (۱۳۱۲-۱۳۱۴ ه.ق)، وزارت عدلیه و تجارت (۱۳۱۵-۱۳۱۶ ه.ق)، رئیس دفتر استیفا و وزیر مالیه (۱۳۱۶ ه.ق)، پیشکاری آذربایجان (۱۳۱۷-۱۳۲۳ ه.ق)، حاکم اصفهان (ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ ه.ق) و رئیس‌الوزرای (۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۵-۱۳۲۶ ه.ق) یافت (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۶؛ بشیری، ۱۳۶۳: ۱۳۶؛ ضرغامی بروجنی، ۱۳۵۰: ۷۳-۷۲؛ مروارید، ۱۳۷۷: ۱۹۱) و سرانجام در

مرتن در آغاز کار، مطالعه هر ساخت کارکردی یا نظام اجتماعی را در گرو بازشناسی عناصر مهم آن ساخت اعلام می‌کند. در میان عناصر ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی، دو عنصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ این دو عنصر گرچه در موقعیت‌های عینی جامعه در هم آمیخته‌اند، ولی در تحلیل‌های جامعه‌شناختی از هم مجزا هستند. اولین عنصر شامل اهداف، منافع و برنامه‌های تعریف شده فرهنگی است که برای تمام یا بخش عمده و گوناگونی از اعضای یک جامعه به عنوان اموری به هنجار و یا مشروع شناخته شده است. دومین عنصر، ساخت فرهنگی است که شامل تعریف، تنظیم و کنترل راه‌ها و شیوه‌های قابل دسترسی است که رسیدن به چنین اهدافی را میسر می‌سازد. روترز معتقد است محیط اجتماعی - که به نظر ما اصطلاحی مارکسی - وبری - بلومری است - زمینه‌ای را برای برپا شدن دو ساخت فراهم می‌کند؛ یکی ساخت اجتماعی و دیگری ساخت فرهنگی که از آن میان، مرتن راه‌های مشترک را در ساخت اجتماعی و اهداف را در ساخت فرهنگی بررسی می‌کند. به عبارت دیگر، مرتن ساخت را از هر گونه‌ای که باشد، به نسبت عناصر تشکیل‌دهنده آن مطالعه می‌کند. بنابراین، چنین شیوه‌ای تمام ساختار اجتماعی را به نسبت راه‌ها و اهداف قابل بررسی می‌داند و هم‌نوایی و کج‌روی از این راه‌ها و اهداف را نیز معیاری برای سنجش بی‌سامانی برمی‌شمارد.

نکته‌ای که در اندیشه مرتن جلب نظر می‌کند، توجه به آزادی کنش‌گر فردی در نظام اجتماعی است. به اعتقاد او اگرچه فرد، عضو نظام اجتماعی است اما در جهت اهداف نظام، کنش‌هایی فردی را به خاطر مصالح جمع انجام می‌دهد. این، یکی از نکاتی است که ما با استفاده از آن به تفسیر کنش‌های حسین‌قلی‌خان می‌پردازیم.

نکته دیگری که در اندیشه جامعه‌شناسی مرتن وجود دارد، توجه او به ضرورت کارکردی است. ضرورت کارکردی، بیانگر وظایف کنش‌گر به صورت ضروری در نظام است؛ یعنی وقتی یک عنصر ساختی در نظام دیده می‌شود، این عنصر باید بتواند برای نظام، تولید کارکرد کند. بدیهی است که این کارکردها باید مطابق اهداف و نیازهای جمع باشد. کنش

نظام‌السلطنه از ملاکان و سرمایه‌داران بزرگ ایران نیز به شمار می‌رفت و برای آبادسازی شهرها و نشر آثار فرهنگی و تاریخی کشور بسیار کوشید. وی شهر ناصری (اهواز کنونی) را پایه‌گذاری کرد و خود نقشه آن شهر را کشید (کسروی، ۱۳۳۰: ۲۰۱-۲۰۳) احداث بندر صاحبقرانیه و بندر قاجاریه (۱۳۰۹ ه.ق) در محمره (خرمشهر) و جاده اهواز به اصفهان را به او نسبت داده‌اند (صفایی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵). او به لحاظ فرهنگی نیز با تحریر خاطرات و یادداشت‌های خود طی سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۳ ه.ق، اثری ارزشمند در جهت مطالعات تاریخی - اجتماعی ساختار قدرت در عصر قاجار و مطالعات خلیج‌فارس باقی گذاشت.

میرزا غلامحسین‌خان افضل‌الملک، نظام‌السلطنه را چنین معرفی می‌کند:

«از ابتدای خدمتگزاری به دولت و در هر سمتی بسی کفایت و درستی‌ها از خود نشان داد. او اعجوبه دهر و اطروفه شهر و از جمله وزیرانی نیست که به اقبال روزگار و خوشبختی‌های اتفاقیه ترقی کرده باشد، بلکه به واسطه کفایت، هنر، دانش و تدبیرات شخص خودش بوده که به رتبه‌های عالی رسید» (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۴۳).

#### نظریه پژوهش

رابرت مرتن<sup>۱</sup> با بینش جامعه‌شناختی نظم و کارکردگرایی و از لحاظ هستی‌شناسی (آنتولوژیک)، جامعه را نظامی در نظر می‌گیرد که مشتمل بر مجموعه‌ای از عناصر ساختاری چون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی است؛ عناصری که در تعامل و هماهنگی با یکدیگر و با محیط و با ایفای کارکردهای مربوط به خود، امکان تطابق نظام اجتماعی و سازگاری افراد را با محیط خویش فراهم می‌سازند. در دیدگاه او، ساخت به رابطه پایدار بین دو یا چند عنصر اجتماعی نظیر موقعیت یا پایگاه اجتماعی و کارکرد و به نتیجه عینی چنین ساختاری اطلاق می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

### نظام‌السلطنه، کارگزار ایران در خلیج فارس

در دوران قاجار، کرانه‌های خلیج فارس بیش از پیش مورد تاخت و تاز و قدرت‌نمایی کشورهای استعمارگر، به ویژه انگلیس، قرار داشت تا آنجا که انگلیسی‌ها خود را فرمانروای کل منطقه خلیج فارس می‌دانستند و برای مردم آن تعیین تکلیف می‌کردند (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۷۹؛ فرهمند، ۱۳۸۷: ۳۶۷). افزایش نسبی آگاهی سلاطین و رجال قاجار نسبت به جایگاه و اهمیت بندرها و سواحل خلیج فارس، به ویژه پس از مسئله هرات در عصر محمدشاه و حمله نظامی انگلستان به خارک و بوشهر، سبب شد تا در عصر ناصری - با توجه به مشکلاتی که دولت در اداره امور بندرها و جزایر خلیج فارس و چگونگی نظارت و کنترل و دریافت عواید مالیاتی و گمرکی کالاهای صادره و وارده داشت - تغییراتی در سیاست‌گذاری و شیوه اداره بندرهای جنوب از اجاره‌داری به حکمرانی مستقل صورت پذیرد (آدمیت، ۱۳۵۴: ۵۴۹). از این‌رو، با انتصاب آقا ابراهیم امین‌السلطان، از نزدیکان و مشاوران اصلی ناصرالدین شاه، به سمت وزیر اعظم و خزانه گمرک (۱۲۹۹ ه.ق)، چون بخش عمده‌ای از درآمدهای گمرکی بندر عباسی، بندر بوشهر و بندر لنگه به سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان حاکم فارس می‌رسید، امین‌السلطان درصدد ایجاد ساختار جدیدی در بخش‌های اداری بنادر خلیج فارس برآمد. او از آنجا که یارای مقاومت در برابر ظل‌السلطان را نداشت، از ناصرالدین شاه تقاضا کرد حسین‌قلی خان مافی ملقب به سعدالملک را مأمور امور گمرکی فارس و بنادر کند. سپس، بعد از اخذ موافقت شاه، دستورالعملی خاص برای شرح وظایف و محدوده اختیارات حاکم جدید بنادر و جزایر نوشت. بدین ترتیب سازمانی در ساختار اداری جدید به نام حکومت بنادر و جزایر تأسیس شد که محمدحسن خان اعتمادالسلطنه از آن با نام «حکومت بندرات فارس» یاد می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸، ج ۲: ۴۲۷).

حسین‌قلی خان سعدالملک با انتصاب به این سمت، همراه میرزا نصرالله اصفهانی که سابقاً منشی رحیم‌خان گمرکچی بود و در امور گمرک بصیرت داشت و مورد وثوق امین‌السلطان نیز بود، روانه جنوب شد. در کاشان میرزا هادی نطنزی را مباشر گمرک کرد (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۹۹) و خود در ۱۲۹۹

حسین‌قلی خان در این پژوهش نشان می‌دهد که او به این اصل نیز به خوبی پرداخته و توجه داشته است.

نکته دیگر اندیشه مرتن آن است که وی برای تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیوستار قائل است؛ یعنی گذشته، حال و آینده را با یکدیگر متصل می‌کند و سه عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در آن می‌پروراند. گویی حسین‌قلی خان نیز چنین مشی‌ای را در فعالیت‌های خود رعایت کرده است. گرچه او با این مفاهیم جامعه‌شناختی آشنایی نداشته اما آنچه مشهود است، این است که کنش و تحول، محتاج پیوستار است و اندیشه مرتن مؤید گویایی برای این ادعاست. به غیر از ضرورت کارکردی، نکته مهم دیگری که مرتن بدان معتقد است و از نظر این متن نیز سودمند است، الزامات اخلاقی - کارکردی است. الزامات اخلاقی دارای یک نظام ارزشی - هنجاری و همچنین یک نظام نظم‌بخش اجتماعی است که حتی بدون توجه به الزامات وجودی این‌گونه کارکردها، به همبستگی نظام اجتماعی کمک کرده و می‌کند و برخی از کنش‌های حسین‌قلی خان مؤید این مفهوم است. در ضمن باید به این نکته تأکید داشت که رابرت مرتن، مفهوم این ارزش‌ها را به عنوان یک عامل اصلی برای ایجاد توسعه، همبستگی و انسجام اجتماعی در نظر داشته و حسین‌قلی خان نه با ضرورت کارکردی بلکه با اخلاق کارکردگرایانه به آن‌ها پرداخته است. او مقدمات این نگاه را از ایران‌دوستی و معتقدات اسلامی خود گرفته است.

نکته پایانی بنای نظری این نوشته، مربوط به کارکردهای بروز نیافته ولی موجود در ساختار پنهان پدیده است که کنش‌گر خلاق به کشف و نهادی کردن آن‌ها می‌پردازد. نوع دیگر کارکردها، کارکردهای آشکار است که کنش‌گر مقید به اجرایی کردن مفهومی چون توسعه، باید آن‌ها را بیشتر و بیشتر بپروراند و مرتن با عنایت به این مفهوم، دقت و ارزش مطالعات خود را افزایش داده است (توسلی، ۱۳۹۱: ۵۰۴-۵۰۶). حسین‌قلی خان نیز به این نکات به صورت غیرمستقیم پرداخته و موفق به توسعه معنادار خلیج فارس شده است. نگارنده، از این ساختار نظری برای تفسیر و تحلیل استفاده کرده است.

را رسماً اعلام و محمدحسن‌خان سعدالملک را به این سمت منصوب کرد (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۳۰۸). بنابراین، شکل‌گیری نظام اداری جدید، تحت عنوان حکومت بنادر خلیج‌فارس را که مقر اصلی آن در بوشهر بود، باید نشانه توجه روزافزون حکومت قاجار در اواخر دوره ناصری به مسائل و مشکلات بنادر برشمرد و دیگر آنکه می‌خواستند مشکلات و مسائل آن را تحت یک مدیریت واحد حل و فصل کنند (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۹۹-۱۱۲). این امر نشان از اعمال سیاست متمرکز داشت؛ زیرا حاکم بنادر، نماینده اصلی شاه در این امور بود.

اگرچه حسین‌قلی‌خان و برادرش محمدحسن‌خان سعدالملک هر دو به عنوان حکام حکومتی، اقدامات مجدانه‌ای در بنادر و جزایر خلیج‌فارس و یکپارچه کردن نظارت دولت بر درآمدها و امور اداری آن‌ها انجام دادند که در کوتاه‌مدت نتایج چشمگیری داشت، ولی در عمل با موفقیت روبرو نشدند؛ زیرا حکام بنادر از ثبات شغلی برخوردار نبودند و معمولاً بین شش تا دو سال در محل مأموریت خود باقی می‌ماندند (به استثنای محمدحسن‌خان که شش سال دوام آورد) (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۸: ۲۸۳-۲۸۴). بنابراین علاوه بر ناامنی شغلی در این سمت، دل‌بستگی و حریص شدن هر چه بیشتر حکام را با هدف کسب سود و درآمدهای سرشار در کوتاه‌مدت و اهدا پیشکش به مقامات بالاتر به جهت ابقای سمت به دنبال داشت (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۷۱).

روابط نظام‌السلطنه با میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان و امین‌الملک

نظام‌السلطنه حکومت مقتدر را می‌پسندید و از اینکه امین‌السلطان، حریم صدارت را به لهو و لعب آلوده کرده و موجبات سقوط شأن آن را فراهم ساخته بود، ناراحت بود و او را نکوهش می‌کرد (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۳). امین‌الملک نیز به دلیل آنکه به او توصیه شده بود از دستورالعمل‌های حسین‌قلی‌خان اطاعت کند، با او عداوت می‌ورزید. امین‌الملک که وجوه نقد خزانه گمرک را در اختیار داشت، بنای مخالفت و بدسلوکی را نسبت به او و کارهایش در بنادر نهاد؛ زیرا تمام اجناس ممالک محروسه و جمعی که مأمور وصول و ایصال

ه.ق / ۱۸۸۲م. وارد بوشهر شد و مقدمات شکل دادن سازمان جدید را فراهم آورد (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۱۵۲). الگوی اجرایی او در این اقدامات، کتابچه دستورالعمل امین‌السلطان بود. حسین‌قلی‌خان پس از ورود به بوشهر و دیدن اقبال‌الملک، حاکم آنجا، میرزا نصرالله نطنزی را به سمت حکومت بندر عباسی و میرزا پاشا را به بندر لنگه برای ضبط گمرک اعزام کرد و در نامه‌ای به حاجی محمدبن ناصر صدرآبادی، یکی از کارگزاران حکومتی بندرعباسی، یادآور شد که خود، حکومت و گمرکات عباسی را به عهده دارد و میرزا نصرالله را به عنوان نیابت فرستاده که در منزل او باشد ولی مسئولیت کلی و جزیی معاملات دولتی با خود اوست (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۰۱). همچنین به بندر لنگه سفر کرد و با شیخ یوسف ملاقات نمود و به وی حکم و خلعت داد و طی قراردادی حیطة وظایف و اختیارات او را کاملاً مشخص کرد و تمامی ویژگی‌ها و خصوصیات ایرانی بودن بندرلنگه و توابع آن را قید نمود. در فصل هفتم، قرارداد حاکم لنگه را به رواج پول ایران و در فصل دهم، به پوشیدن لباس متحدالشکل و برافراشتن پرچم سه رنگ ایران در بندر لنگه ملزم کرد که نشان از هوشیاری و وطن‌پرستی او به عنوان کارگزار حکومتی در این دوره از تاریخ ایران دارد.

گمرک را هم توسط حاجی محمدبن عباس به فرد هندویی موسوم به بانامل به ده هزار تومان اجاره داد. از آنجا به بندرعباسی رفت و حکومت و گمرک را به حاجی محمدحسن سپرد و علاوه بر مأخذ سابق، دوازده هزار تومان نیز گرفت (همان: ۱۰۲) و گمرک بوشهر را بیست هزار تومان علاوه بر مأخذ به میرزا نصرالله کازرونی اجاره داد (همان: ۱۰۲-۱۰۳).

اجرایی کردن کتابچه دستورالعمل و تغییراتی که در بندر عباسی، لنگه و بوشهر ایجاد شد، نارضایتی کارگزاران انگلیسی را برانگیخت تا آنجا که امین‌السلطان ناگزیر از سعدالملک خواست اجرای تنظیمات را متوقف سازد (صفایی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۱۷). اقدامات امین‌السلطان را درباره انتزاع حکومت بنادر و جزایر از ایالت فارس، باید آغاز رسمی کارگزاری بنادر و جزایر خلیج‌فارس دانست تا اینکه میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان در سال ۱۳۰۵ ه.ق، تشکیلات اداری حکومت بنادر و جزایر

که امین‌الدوله می‌دانست نظام‌السلطنه با فرمانفرما موافقتی ندارد، نسبت به او دچار سوءظن شد (همان: ۲۴۱). بنابراین، چنانکه امین‌الدوله خود در خاطراتش می‌نویسد، با وجود اینکه حسین‌قلی‌خان را فردی مجرب و آزموده معرفی می‌کند، اما در زمان صدارت خود، با وجود اعطای سمت وزارت تجارت و عدلیه به وی، نه تنها به او چندان نقشی در جریان امور دولت محول نکرد بلکه دست به تحریکاتی علیه وی نیز زد (همان: ۲۴۶) و همین امر موجب کدورت و سردی روابط فی‌مابین شد. اما بعد از عزل امین‌الدوله و تبعید به لشت‌نشا و بازگشت دوباره امین‌السلطان به صدارت، دوستی بین حسین‌قلی‌خان و امین‌الدوله استحکام یافت؛ به طوری که حسین‌قلی‌خان برای بازگشت امین‌الدوله به مقام صدارت کوشش می‌کرد (همان: ۲۴۳). میرزا غلامحسین‌خان افضل‌الملک نیز نظام‌السلطنه و میرزا محمودخان حکیم‌الممالک را از جمله کسانی ذکر کرده که توانستند این کار محال را انجام دهند (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۳۲).

#### حسین‌قلی‌خان در مبارزه با استعمار

حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه، مردی دولت‌خواه، وطن‌پرست و در انجام وظایف خود جدی بود و منافع مملکت را مقدم بر هر چیز می‌شمرد. او ده سال قبل از اجرایی شدن آزادی کشتیرانی در کارون، تلاش‌هایی در این زمینه انجام داد؛ چنانکه کرزن می‌نویسد:

«او به آقای مکنزی که از شرکای دستگاه عظیم تجاری کمپانی‌گری و پل و مقیم بوشهر بود، برای آزادی تجارت و کشتیرانی در کارون با زمینه مساعد، پیشنهاد همکاری داد و کمپانی مزبور هم حاضر شد که در این رودخانه کشتیرانی تأسیس کند، اما خودسری خوانین بختیاری و قدرت بیش از اندازه آنان، حکومت مرکزی را واداشت تا از صدور اجازه خودداری کنند» (کرزن، ۱۳۷۳: ۴۰۴).

ویلسون نیز در این باره می‌نویسد: «شرکت کشتیرانی دجله و فرات انگلیس شروع به کشتیرانی در کارون نمود و برخی از مأمورین دولتی ایران و نیز برخی اهالی، دائماً اسباب مزاحمت آنان را فراهم می‌آوردند. اما دولت انگلیس سالیانه مبلغی را به آنان می‌داد تا عملیات خود را ادامه دهد»

آن بودند، در اختیار و جزو دسته حسین‌قلی‌خان بودند (همان: ۱۷۶). اما حسین‌قلی‌خان هر قدر نسبت به اقساط گمرک اشکال‌تراشی می‌شد، با صبر و بردباری آن را رفع می‌کرد. میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان نیز به جهت سابقه انس و محبتی که با حسین‌قلی‌خان داشت، به معاندین او متذکر می‌شد که خواست شاه این است که با او مدارا کنم. همچنین به حسین‌قلی‌خان می‌گفت: «می‌دانم امین‌الملک با شما مخالف است ولی به خاطر من شما صرف‌نظر کنید و با او راه بروید. من به طوری که مایه رنجش او نشود، کار ممالک محروسه را به اداره شما راجع می‌کنم» (همان: ۱۱۲). حسین‌قلی‌خان در خاطراتش می‌نویسد:

«چون امین‌السلطان از بدو ورود با او طریق ارادت داشته، لذا از انسانیت و انصاف به دور دیده که با او مخالفت کند. منظور امین‌السلطان این بود که کلیه گمرک را در هشتصد هزار تومان به حسین‌قلی‌خان و حاجی میرزا علی‌نقی مشیرلشکر که هم مایه پولی داشت و هم به صحت حساب و دقت در معاملات معروف بود، وا بگذارد. اما امین‌الملک راضی نمی‌شد» (همان: ۱۱۲).

#### روابط حسین‌قلی‌خان با امین‌الدوله

امین‌الدوله، حسین‌قلی‌خان را در ذیقعد ۱۳۰۶ ه.ق به جهت اطلاعات و سوابقی که در ترتیب و سررشته گمرکات داشت و در زمان امین‌السلطان، گمرکات جنوب سال‌های متوالی به مقاطعه او بود، به سمت وزارت عدلیه و تجارت منصوب کرد (امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۲۴۸). به دنبال این انتصاب، شیخ محسن‌خان مشیرالدوله به امین‌الدوله خاطر نشان کرد که نظام‌السلطنه مدت‌هاست داعیه صدارت دارد و می‌خواهد خود را به این مقام برساند، حالا که طرف شور واقع شده، هر کار خوب را به خود و صواب بودن رأیش نسبت می‌دهد و اگر خبط و سهوی واقع شود، می‌گوید مربوط به من نیست. همچنین، فرمانفرما را متوجه این امر کردند که نظام‌السلطنه می‌خواهد مردم را به طرف امین‌الدوله جلب نموده و دست تو را از کارهای دولتی کوتاه کند. سرانجام، چون کار مخالفت فرمانفرما با امین‌الدوله علنی شد، نظام‌السلطنه به جهت سابقه مودتی که با فرمانفرما داشت، ملاقاتی در خانه امین‌الدوله ترتیب داد. اما نه تنها نتیجه‌ای از این دیدار حاصل نشد، بلکه با وجودی

شوشتر حرکت کند، به چهارچاتمه سرباز قراول و هشت نفر آردل توپچی و سرباز، بیست و پنج هزار انعام داده بود و به ده نفر فراش و یک نفر نایب حکومتی یک تومان، قدغن کردم، رد کردند» (همان: ۹۷).

برخورد او با سرپرستی سایکس در سفرش به خلیج فارس را نیز می‌توان بر اساس اهداف ضد استعماری وی دانست. سایکس درباره حسین‌قلی‌خان چنین می‌نویسد: «برخلاف همیشه که آمدن خود را به حکمران محلی اطلاع می‌دادم و حکام تقاضای من را قانونی و مشروع و با حسن قبول تلقی می‌کردند، برای اولین بار نه تنها مراسم ادب نسبت به من در ارگ ایالتی معمول نشد، حتی از شناختن رسمی من امتناع کردند و تذکرات نگارنده دایر بر اینکه از مرکز نمایندگی بوشهر مراسلاتی به آن‌ها ارسال شده و از من معرفی کامل به عمل آمده، مفید فایده واقع نشد» (سایکس، ۱۳۷۷: ۷۸). نظام‌السلطنه ظاهراً در برابر مطالبه غرامت دولت انگلیس به واسطه حملات سربازان ایرانی اهواز به تجار انگلیس، با خونسردی به سایکس اظهار داشت که مسئولیتی متوجه او نیست؛ چون سربازها نسبت به فرمانده خود نیز تمرّد کرده‌اند و او را هم مورد حمله قرار داده‌اند. اما سرانجام، در پی دستور صدراعظم وقت، معادل سیصد پوند به عنوان غرامت به انگلیسی‌ها پرداخت کرد.

اقدامات نظام‌السلطنه علیه کمپانی برادران لینچ و ایستادگی در برابر ادعای قواسم مبنی بر عدم مالکیت ایران بر جزایر سه‌گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) به تحریک انگلیسی‌ها، عاقبت سبب شد تا انگلیسی‌ها به مقابله با او پرداختند و وزیر مختار انگلیس از دولت ایران خواست تا او و برادرش محمدحسن‌خان سعدالملک برای پنج سال از خدمت دولتی کنار روند (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۱۵-۲۱۷).

#### کارکردها و خدمات فرهنگی حسین‌قلی‌خان

نظام‌السلطنه از وزرای بزرگ عصر قاجار بود و رگه‌هایی از اندیشه و کارکرد اصلاح‌طلبانه و آبادگرانه و نقش مهمی در عرصه‌های سیاسی، نظامی و امنیتی داشت. در آغاز مشروطیت، مدتی ریاست دولت را بر عهده گرفت و با صداقت

(ویلسون، ۱۳۴۸: ۳۰۵). از سال ۱۳۰۶ ق که ایران، تحت فشار دولت انگلیس، آزادی کشتیرانی را در کارون اعلام کرد، حسین‌قلی‌خان ضمن پذیرش این امتیاز برای دول خارجی، به ویژه انگلیس، شرایطی را مقرر نمود و به آن‌ها گوشزد کرد که کشتی‌های خارجی حداکثر تا زیر سد شکسته اهواز بیایند، از محمره (خرمشهر) تا اهواز در جایی لنگر نیندازند، اسلحه بار نکنند، علم شیر و خورشید داشته باشند و از چوب درختان جنگلی کنار کارون برای آتش و زغال استفاده نکنند. اما انگلیسی‌ها نسبت به رد این شرایط اصرار داشتند و در نتیجه حسین‌قلی‌خان که به فکر باج دادن و اعطای امتیاز دیگری نبود با انگلیسی‌ها درگیر شد (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۸۰، ۱۴۴)؛ به طوری که خود در خاطراتش می‌نویسد: «من قبول این تعهدات نتوانستم بکنم؛ زیرا که بهانه‌جویی انگلیسی‌ها را به انضمام قدرت می‌دانستم» (همان: ۱۴۴). همچنین در جای دیگر نظام‌السلطنه در خاطراتش می‌نویسد: «بنای مأمورین انگلیس چندسالی بر سوء سلوک و اظهار قدرت و بهانه‌جویی در خلیج فارس و خوزستان بود» (همان: ۱۸۶) و سپس اضافه می‌کند: «امسال هفتصد و هشتصد تومان ضرر این انگلیسی‌های مسافر عربستان (خوزستان) را کشیده‌ام، نه فایده مالی دارد و نه فایده اعتباری».

یکی دیگر از مشکلاتی که نظام‌السلطنه درگیر آن بود و در خاطرات خود نیز به آن اشاره کرده است، ورود مسافران انگلیسی به خلیج فارس و خوزستان بود. ظاهراً او با مأموران انگلیسی که به خلیج فارس می‌آمدند، برخوردهای متفاوتی داشته است؛ برای مثال، در دیدار با کرزن در شوشتر، رفتار خوبی پیشه کرد تا آنجا که کرزن ضمن ستایش از حسین‌قلی‌خان و پذیرایی وی، در اثر خود، افکار ضد استعماری وی را نیز در باب منع عبور کشتی‌های انگلیسی در بالای کارون خاطر نشان کرده است (همان: ۸۳-۸۵).

نظام‌السلطنه درباره آمدن جنرال گاردان به خلیج فارس می‌نویسد: «داستان غریبی از این جنرال گاردان دیده شده که چشم روزگار ندیده و گوش کسی نشنیده است. یک پول در دزفول و عرض راه به احدی نداد، مگر آنکه حواله مهمان‌داری که من مشخص کرده بودم، کرد. روزی که می‌خواست از

کتاب نیز توسط وحید مازندرانی در دو جلد صورت گرفته که در سال ۱۳۴۹ ه.ش توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است (کرزن، ۱۳۴۹: مقدمه مترجم).

نظام‌السلطنه مخالف فرنگی‌مآبی نیز بود و عادات فرنگی را موجب واژگونی اخلاق و استخفاف عرف و سنت می‌دانست (همان: ۲۲).

### حسین‌قلی‌خان و اقدامات عمرانی

نظام‌السلطنه مافی در زمینه تعمیر و آبادی شهرها نیز همانند نشر آثار فرهنگی و تاریخی، شوقی وافر داشت. وی از ملاکان و سرمایه‌داران بزرگ ایران به شمار می‌آمد (عاقلی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۴). او در زمان حیات خود به ایجاد طرق و شوارع، بنای آب‌انبار، کاروان‌سرا و استراحتگاه اهتمام فراوان ورزید.

در دوران حکومت خود در دشتی و دشتستان امور مالیاتی آن ناحیه را سروسامان داد (۱۲۹۲ ه.ق) و هنگامی که مأمور حکومت و گمرک بنادر فارس بود، برای سهولت حمل و نقل اجناس به جهازات، اسکله‌ای بزرگ در بندرعباس احداث کرد که ۱۲۵ ذرع طول و ۲۵ ذرع عرض داشت و بنیان دارالعلم را به طرز فرنگ در آن سامان نهاد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۴۶). در سال ۱۳۰۵ ه.ق که حاکم عربستان و چهارمحال و بختیاری شد، بیرق دولتی که از آن پیش در عربستان معمول نبود، در شوشتر و تمام نقاط کارون و محمره منصوب نمود و دو دروازه برای عمارت حکومتی و سربازخانه‌ای از آجر و کاشی بنا کرد. در قلعه «سلاسل» حمام خوبی احداث کرد و در خاک شوشتر، غرس نخیلات نمود و از بصره به بغداد، نهال پرتغال و از نجف اشرف، برنج به عربستان خواسته، کاشتند و «برنج نجفی» که بعد معروف به «نظامی» شد، در آنجا معمول داشتند. در بند قیر نیز که به سلطانیه موسوم شد، تلگراف‌خانه‌ای بنا کرد.

در سال ۱۳۰۸ ه.ق نیز در بندر لنگه، مقر حکومتی بنا نهاد و در نای‌بند که در خارج از آبادی بندرعباس بود، عمارتی تابستانی احداث کرد و خرج این دو بنا را از مال خود داد. همچنین وقتی که حاکم عربستان بود، بندر رامهرمز را که خالصه دیوان بود به قیمت ارزان خرید، اما بعد که از حکومت

تمام در رفع اختلاف بین شاه و مجلس کوشید و اقداماتی را در جهت برقراری امنیت و سرکوبی شیخ محمود ورامینی به انجام رسانید. به گفته ابراهیم صفایی: «در سیاست و حکومت، غرور ملی و شخصیت ملی - مذهبی خود را نشان می‌داد؛ خواهان صلح در محیط سیاسی آن روز ایران و پیشرفت و ترقی مملکت بود» (صفایی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۴). اگرچه از رجال دوره استبداد است ولی بعد از نهضت مشروطه، با اصول حکومت قانونی و دموکراسی موافق بود.

فرصت‌الدوله شیرازی، از ادیبان بزرگ دوره قاجار و شاعران سبک «بازگشت»، در سال ۱۳۱۱ ه.ق به خواهش او کتاب آثار عجم را تألیف کرد؛ چنانکه در مقدمه این اثر می‌نویسد:

«بر حسب میل و خواهش مرحمت‌پناه نظام‌السلطنه که در آن اوان حکمران فارس بود به سمت تخت جمشید و شاپور و کازرون و بهبهان و ممسنی و بسیاری از نقاط دیگر حرکت نمودم که در حقیقت اساس کتاب آثار عجم، در ذکر این آثار عتیقه و ابنیه مذکوره است به تفصیلی تمام که در آنجا مسطور آمده و کتاب را هم به اسم آن مرحوم نمودم، چون که فوق‌العاده و الطاقه اظهار محبت دربارهام فرمود. و پس از تألیف آن کتاب، در بمبئی به طبع رسید» (فرصت شیرازی، ۱۳۳۷: ۱۱۷؛ همو، ۱۳۷۷: ۴۵).

وی در خوشنویسی نیز شهرت داشت تا آنجا که هر صفحه از خطوطش قابل تذهیب بود.

کتاب *ایران و قضیه ایران*، تألیف جرج لرد کرزن نیز به دستور نظام‌السلطنه، والی فارس، توسط میرزا محمد نام، شاگرد دارالفنون تهران در سال ۱۳۱۱ ه.ق در شیراز به طور خیلی ناقص، ترجمه شد. اما از آنجا که نظام‌السلطنه در موقع مسافرت کرزن به ایران و رفتن او به هندوستان در شوشتر والی بود و در حین همین سفر، بین او و کرزن برخورد نامساعدی روی داد، هدف او از ترجمه کردن کتاب کرزن، آگاهی از عطف و اشاره‌های احتمالی مؤلف در سفرنامه او بود. از این ترجمه آزاد، فقط یک نسخه خطی از جلد اول آن در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است. ترجمه کنونی



محمدحسن خان اعتمادالسلطنه به رغم اطلاعات دقیقی که نجم‌الملک در گزارش خود در این باره به دست داده بود با بدبینی درباره مأموریت او در روزنامه خاطرات خود چنین می‌نویسد:

«صبح دارالترجمه بودم، بعد خدمت شاه رسیدم. وزرای خمس شرفیاب شدند. این چند روز که با این چند وزیر که عقل یک نفر را ندارند، مشاوره می‌فرمایند، می‌گویند به جهت سد اهواز است. حاجی نجم‌الملک که از معلمین دارالفنون است و بعضی اطلاعات از هندسه دارد ...، مأمور به بستن سد اهواز شد ... تفصیلی امین‌السلطان نوشت که در روزنامه بنویسم. من از حالا عقیده خود را می‌گویم: اولاً نجم‌الملک مرد بستن این سد نیست. البته دویست هزار تومان به گردن دولت خرج می‌اندازد، یا کلیتاً سد بسته نخواهد شد، یا اگر هم چیزی ساخته شود در طغیان رود کارون معدوم می‌شود. خلاصه به من چه! ابتدا در اوایل سال ۱۲۹۹ ه.ق برای برآورد هزینه ساختمان سد اهواز به همراه چند نفر مهندس به خوزستان رفت و پس از برآورد مخارج آن به تهران بازگشت» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶: ۵۹۹).

همچنین در جای دیگر ذیل یادداشت‌های مربوط به بیستم ربیع‌الاول ۱۳۰۶ ه.ق می‌نویسد:

«قبل از نهار، ولیعهد، نایب‌السلطنه و وزرا حضور شاه بودند. قرار بستن سد اهواز را می‌دادند. نجم‌الملک عجلتاً پنج هزار تومان خواهد گرفت و می‌رود» (همان: ۶۰۵).

حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه نیز در خاطرات خود تحت عنوان «بستن سد اهواز و سفر حاجی نجم‌الملک ۱۳۰۷ ه.ق» در شرح ماجرا چنین می‌نویسد:

«آخر سال حکم رسید که حاجی نجم‌الملک برای بازدید بستن سد اهواز می‌آید، باید او را به اهواز ببری و بعد از بازدید، در محرمه مجلسی بکنید و قرار کار بستن سد را بگذارید. چون مأمور است که راه لرستان را هم ببیند، از آن طرف خواهد آمد. حاجی نجم‌الملک قبل از عید با محمدحسن میرزا مهندس و یک معمار و یک نویسنده تشریف آورد ... در آن چند روز توقف، هم‌روزه حاجی نجم‌الملک مشغول تعیین محل سد و ترتیب این کار بود. من اعتقاد نداشتم که این سد و پل شوشتر با آلات و ادوات معموله ایران بسته شود. به علاوه چندین عیب

آن ناحیه معزول شد، نتوانست آنجا را در مقابل تهاجمات بختیاری‌ها نگه دارد. از این‌رو، به علی‌قلی‌خان ایلیخانی فروخت (همان: ۲۴۶، ۳۱۸). از دیگر اقدامات مهم نظام‌السلطنه در خوزستان، بازشدن راه آبی از محمره (خرمشهر) تا اهواز به روی کشتی‌های تمام دول و منع تملک اراضی و مستغلات برای کمپانی‌های خارجی و منع عبور کشتی‌ها از سد اهواز تا سد شاهپور بود که موجب عدم رضایت انگلیسی‌ها شد.

میرزا عبدالغفارخان نجم‌الملک در سفرنامه خوزستان درباره وی می‌نویسد:

«نظام‌السلطنه که در آخر زمان ناصرالدین شاه، سال‌ها در خوزستان حکمرانی داشته و خود مرد کاردان و توانایی بوده ... برای ایمی راه اهواز که کاروانیان دل‌آسوده آمدوشد نمایند و کشتی‌ها آسوده در آنجا لنگر بیندازند، در نزدیکی دهکده اهواز در پایین کمره سنگی بناهایی ساخته، سرباز و پاسبان در آن‌ها نشاند و چون آنجا را بندری برای کشتی‌ها گردانیده «بندر ناصری» نام نهاد. همچنین از بندر صاحبقرانیه، در بندر محمره در ملتقای شط العرب، عمارت و حمامی ساخت و طرف دیگر شط، سربازخانه و توپخانه ایجاد کرد. در ازای این خدمات، در اولین سال به نشان تمثال شاهنشاه شهید سعید و در سال دوم به رتبه و حمایل و نشان امیرتومانی نائل شد. در سال سوم نیز چون در کنار کارون دست به احداث بنداری زد، از طرف دولت یک قبضه شمشیر مرصع دریافت کرد (نجم‌الدوله، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

مخالفت حسین‌قلی‌خان با بستن سد اهواز میرزا عبدالغفارخان نجم‌الملک، به دستور ناصرالدین شاه، چون اطلاعات ریاضی داشت، برای مطالعه در مورد ساختن سد اهواز بر روی رودخانه کارون دعوت شد. فرمان یا دستورالعمل ناصرالدین شاه مشتمل بر چهارده اصل یا ماده بود که نجم‌الملک باید عملیات خود را برحسب آن اصول انجام می‌داد (همان: ۷-۱۲). از این‌رو، نجم‌الملک در ۲۲ ذیحجه ۱۲۹۸ ه.ق جهت بررسی و برآورد هزینه ساخت سد اهواز، عازم خوزستان شد و پس از بررسی محل و تخمین مخارج آن به تهران بازگشت و چند سال بعد، خود شخصاً مأمور ساختن سد مزبور شد.

شاه بود، ولی از او نیز خرده می‌گرفت. وی در تمام امور جزئی و کلی حکومت، نظارت و دخالت و در امور مالی و گذرانیدن حساب دقت تمام داشت (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۳)؛ برای مثال به گفته میرزا غلامحسین‌خان افضل‌الملک، با شهادت و تدبیر در سمت وزارت مالیه و ریاست دفتر استیفا، فوق‌العاده کار کرد. از این‌رو، تمام مستوفیان هر روز، بر سر کار حاضر می‌شدند تا مبادا او کارشان را به دیگری دهد؛ از سوی دیگر، امیدوار بودند که هر نیاز و مطلبی داشته باشند، اگر درست و بجا باشد، برآورده خواهد کرد.

«چون براتی را نزد او به دفتر آوردند که وزیر داخله زودتر از وی مهر کرده بود، از این کار برآشفت و اظهار داشت که اول باید من صحت برات را امضا کنم و بر پشت آن مهر بزنم. آن وقت وزیر داخله را از صحت مرسوم و صدور برات و عمل دفتر، چه اطلاع است که هنوز برات به مهر من نرسیده، او مهر می‌کند. این سخنان بگفت و مهر وزیر داخله را از پشت برات با آب دهن محو کرد و چون اصل برات صحیح بود، آن را به مهر خود مختوم ساخته، آن وقت به صاحب برات گفت، حالا این برات صحیح است. بدین ترتیب رتبه وزارت مالیه را از رتبه وزارت داخله برتر ساخت» (همان: ۲۴۳).

نظام‌السلطنه همچنین معتقد بود حکومت و حفظ خاندان بر مصادر امور، لازم و ملزوم یکدیگرند و در سراسر عمر کوشید یک تن از خانواده خود را بر مسند حکومت بنشانند. متن مکاتبات او با رضاقلی‌خان (نظام‌السلطنه بعدی) نشان از آن دارد که رهنمودهایی در باب حکومت و حفظ قدرت به او داده است. شاید بتوان گفت پایداری رضاقلی‌خان در حکومت بیشتر معلول کوشش‌های حسین‌قلی‌خان بوده است (همان: ۲۴۴).

حسین‌قلی‌خان معتقد بود در دولتی که عدل و قانون نباشد، فرضاً اگر حکم قتل مرا هم بدهند، مانع و عایقی ندارد (همان: ۲۸۷). و اعتقاد داشت که مردن به نیک‌نامی بهتر از زندگی به عار و ننگ است (همان: ۳۸۱).

داشت: اول آنکه، وقتی که این سد را بسته‌اند، از دهنه کوه که آب داخل جلگه عربستان می‌شود، در یازده محل، بند و قنات داشته است که دو ثلث آب آن را خارج کرده‌اند. دوم آنکه، در آن وقت صحرای محمره و فلاحیه، آباد نبوده است و فاضل نهرهای دو طرف سد برای زراعت می‌رفته است و این دو محل که بحیره بوده است، الآن دو شهر معتبر است که سالی هفت هزار تومان مالیات می‌دهند. سوم آن که در آن وقت چون نیشکر، عزیزالوجود و مال‌التجاره بوده است، هر قدر از اراضی که مشروب می‌شده، زراعت نیشکر کرده‌اند و حالا زراعت غله می‌شود و به مراتب رواج آن از نیشکر بیشتر و لازم‌تر است. به علاوه، نهرهای قدیم، انباشته و منطمس است و چندین هزار عمه لازم است که در ظرف سه چهار سال آن نهرها را قابل جریان آب کنند. کف رودخانه به مرور گود شده است و آن نهرها تمام اراضی را نمی‌گیرد. به هر حال، رأی خودم را در طی عریضه‌جات نوشتم که اگر دولت ایران بخواهد این سد را ببندد، بعد از ده سال با یک کرور، احتمال دارد یک سد بی‌دوامی مثل سد ناصری بسته شود. حال آنکه، طول این سد، اقل پانصد و پنجاه ذرع می‌شود (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۵۴).

بنابراین، چون نجم‌الملک بی‌نیل مقصود - که مباحثی آن کار بزرگ بود - مراجعت کرد، از من آزرده‌گی حاصل نمود و حال آنکه آن اعتقاد بی‌غرضانه را هنوز هم که این شرح حال را می‌نویسم، باز در باب سد و پل شوشتر و سد اهواز دارم و تغییری حاصل نکرده است (همان: ۱۵۶).

ناخشنودی حسین‌قلی‌خان از شاهزادگان و انتقاد از شاه نظام‌السلطنه، به کرات، نیش قهر شاهزادگان را چشیده و از آن‌ها آزرده شده، در انتقاد از آنان مصر بوده است. زمانی که آنان به لمیدن و تفاخر، موجب می‌ستاندند و به لپه مصروف می‌داشتند و گاهی که به غرض و عمد در کار وی اخلال می‌کردند، معترض می‌شد و در این راستا، در فارس جلوی تعدیات قوام‌الملک و رضاخان، رئیس ایل غرب بهارلو را گرفت.

حفظ قداست حریم حکومت برای نظام‌السلطنه مهم بود. از این‌رو، کارهای مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه را سبب هدم دولت و افناء مملکت می‌دانست. سلطان محبوب او ناصرالدین

## نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، فقدان وجود مانعی برای ارتقای حسین‌قلی‌خان به عنوان یک دولت‌مرد و نخبه ایلی در مراتب اداری و سیاسی ایران است. همچنین، این پژوهش دربردارنده ارتباط میان کارکرد دولتمردان و نخبگان ایلی با حکومت مرکزی است. نکته دیگر، توجه به کارکردهای نظام‌السلطنه در ساختار حکومت در جهت تأمین منافع دولت و تحکیم امنیت ملی و پیروی از دولت مرکزی است. او که از ایل مافی برخاسته بود، به گونه‌ای چشمگیر، در حاکمیت حضور یافت و تا بالاترین مناصب از جمله وزارت و حتی صدارت ارتقا یافت. وی نقش مهمی در تحکیم مبانی و مؤلفه‌های هویت ایرانی و تثبیت دولت مرکزی و یکپارچگی ملی داشت و مهم‌ترین هدف او در عرصه‌های داخلی و خارجی، تأمین اهداف ملی بود. او با توجه به شخصیت و نقشی که ساختار به عنوان یک کنش‌گر برایش تعریف کرده بود یا باید به نفوذ استعمار انگلیس در خلیج‌فارس به دیده بی‌تفاوتی می‌نگریست و هم‌نوایی پیشه می‌کرد و یا با توجه به قدرت اجتماعی خود به مقابله با آن می‌پرداخت. حسین‌قلی‌خان کنش‌های خود را به نحوی شکل داد که موجب توسعه و عمران منطقه خلیج‌فارس گردید؛ زیرا در پیدا کردن کارکردهای مثبت پنهان، امکانات نوینی در راه توسعه قرار گرفت که تحقق آن را سهل‌تر ساخت و همین کارکردها، ضرورت‌های چشمگیری را بر سر راه توسعه قرار داد؛ ضرورت‌هایی که به شدت تبعیت از عناصر توسعه را واجب می‌شمرد. این امر به الزامات اخلاقی کارکردی، هم برای خود حسین‌قلی‌خان و هم برای نظام اجتماعی، تبدیل گردید. بنابراین، پیوستار تاریخی - اجتماعی تحولات شکل یافت و جامعه به سوی توسعه متمایل شد. این حرکت تمایل به جلو، ارزش‌ها و هنجارهای لازم را برای اطاعت‌های کنشگران از نظام اجتماعی ضرورت بخشید. از این‌رو، این نظام ارزشی - اخلاقی، هنجارهای سیاسی‌ای تولید کرد که مستلزم ارزش‌های سیاسی بود و این ارزش سیاسی خصیصه نظام شد و دو وضعیت را پدید آورد: اول، همبستگی اجتماعی که موجب گردید فاصله انسان‌ها به یکدیگر کم شود و دوم، پایداری اجتماعی که دوام آن‌ها را در دفاع از ارزش‌ها مستدام داشت و بدین ترتیب، استعمار راه‌های نفوذ خود را بسته و بسته‌تر و اجتماع ایرانی عرصه توسعه را آماده‌تر و ممکن‌تر

دید. در نتیجه چنین وضعیتی، تمایل اعضای اجتماعی به عناصر و نشانه‌های ملی هویت‌بخشی بود که در عرصه پرچم سه رنگ ایران و عناصر فرهنگ ملی در مقابل عناصر هویت بیگانه از طرفی و اعتقاد به وجود ملیت ایرانی از طرف دیگر به همراه توجه به دیانت، سازمان یافت و چپستی و چگونگی ایران مسلمان را در عرصه توسعه یافته رقم زد. یکی دیگر از ویژگی‌های حسین‌قلی‌خان که ارزش روشی بسیاری دارد، اتکا او به خاطرات شفاهی خود است. او در این فضای تاریخی، خاطراتی داشت که از میان آن‌ها گزینش کرده و بر مبنای آن، کنش خود را سامان می‌داد. جالب اینکه، نتیجه این خاطره‌پردازی و خاطره‌گزینی، مخالفت او با فرهنگ و نظام ارزشی بیگانگان استعمارگر بود که در نتیجه، طرح فرهنگی ایرانی را در ذهن او تقویت کرد.

## منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۴). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن‌علی. (۱۳۶۸). *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار)*. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر، جلد دوم.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن‌علی. (۱۳۵۶). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مربوط به سالهای ۱۲۹۲-۱۳۱۳ هجری قمری از روی نسخه موجود در کتابخانه آستان قدس*. با مقدمه وفهارس ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۸۱). *خلیج‌فارس و کشورهای جنوبی آن*. تهران: مرکز نشر و تحقیقات قلم آشنا.
- افضل‌الملک، میرزا غلامحسین‌خان. (۱۳۶۱). *افضل‌التواریخ*. به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان. (۱۳۴۱). *خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین‌الدوله*. به کوشش حافظ فرمانفرمائیان. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های ایران.
- بامداد، مهدی. (۱۳۸۴). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری*. خلاصه‌نگاری زیر نظر ذبیح‌اله علی‌زاده اشکوری. [خلاصه‌نگاری داریوش نجفی‌راد]. تهران: فردوس.

- بشیری، احمد. (۱۳۶۳). کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. به کوشش و ویراستاری احمد بشیری. تهران: نشر نو.
- تقی‌زاده، سیدحسین. (۱۳۷۹). تاریخ مجلس شورای ملی ایران و وزیران ۳۷ کابینه سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۳۶ ه.ش. به کوشش عزیزالله علیزاده. تهران: فردوس.
- توسلی، غلام‌عباس. (۱۳۹۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حبیبی، حسن؛ و ثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۷). بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندر عباس. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- سایکس، پرسی مولزورث. (۱۳۷۷). تاریخ ایران. ترجمه فخرالدین محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی. (۱۳۶۸). بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس). تصحیح و مقدمه و فهرس از احمد اقتداری. به کوشش علی ستایش. تهران: دنیای کتاب.
- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر. (۱۳۶۲). وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱-۱۳۲۲ قمری. تهران: نوین.
- شجیعی، زهرا. (۱۳۶۲). نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی. تهران: سخن.
- صفایی، ابراهیم. (۱۳۶۳). رهبران مشروطه. تهران: جاویدان.
- ضرغامی بروجنی، جمشید. (۱۳۵۰). «نخست‌وزیران ایران از حسین‌قلی‌خان سعدالملک نظام‌السلطنه». مجله خاطرات وحید. شماره ۱. ص ۷۲-۷۸.
- عاقلی، باقر. (۱۳۶۹). روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب. تهران: گفتار. جلد اول.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۱). «یادمان رابرت کینگ مرتن». مجله جامعه‌شناسی ایران. تهران: دوره ۴، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۵۸.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر بن جعفر. (۱۳۷۷). آثار عجم. تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۳۷). دیوان (دیوان فرصت: مقدمه- شرح حال- غزلیات- قصاید فارسی و عربی- ترجیعات- مثنویات- مقطعات- رباعیات- منشآت). مقدمه و تصحیح و حواشی و فهرست از علی زرین‌قلم. تهران: کتاب فروشی سیروس.
- فرمند، علی. (۱۳۸۷). «کشمکش‌های ایران و انگلیس در جزایر خلیج فارس». در مجموعه مقالات مجموعه مقالات فرهنگ و تمدن خلیج فارس (گروه تاریخ دانشگاه تهران). تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۴۹). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کسروی، سید احمد. (۱۳۳۰). تاریخ پانصد ساله خوزستان. تهران: بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ.
- مروارید، یونس. (۱۳۷۷). از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت. تهران: اوحدی.
- نجم‌الدوله، عبدالغفار بن علی محمد (۱۳۸۵). سفرنامه خوزستان. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: انجمن آثار و مفاخر و فرهنگی.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی. (۱۳۶۲). خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی. به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه. تهران: نشر تاریخ ایران.
- ویلسون، سر آرنولد تالبوت. (۱۳۴۸). خلیج فارس. ترجمه محمد سعیدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.